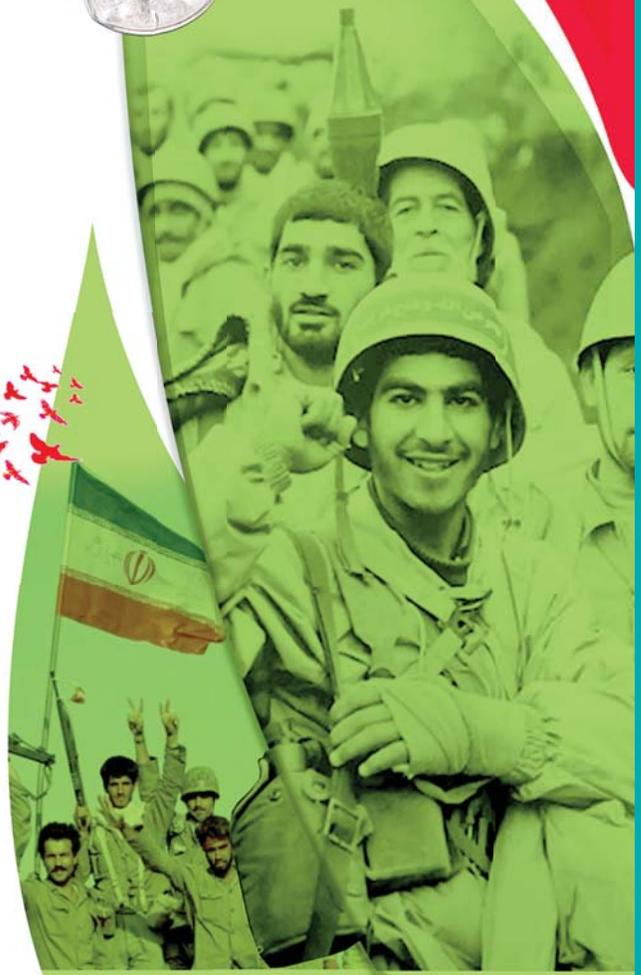


راه شهادت پایان ندارد

مهر ماه ۱۴۰۲



دومین کنفرانس گداشته‌ها



ISSN: 2322-4665

پیم تاریخ تمدن و فرهنگ همدان

همدان پیام
روزنامه

www.HamedanPayam.com

گذری بر بیانات رهبری برای کنگره اول شهدا



به همدان آمد، لباس نظامی هم تم بود. یک مرکزی را معین کردند به نظرم یک فرودگاه قدیمی بود که با شهر هم فاصله داشت، آنجا یک جمعیت عظیمی آمده بودند در هوای سرد. من آنجا که خواستم سخنرانی کنم دیدم از سرما نمی‌توانم، استاندار وقت اورکت خودش را در آورد و به من داد تا بپوشم و بتوانم سخنرانی کنم. در آنجا یک اجتماع عظیم، گرم و گیرایی را مردم به وجود آوردند؛ چشم انسان پر می‌شد از مشاهده این شور و شوق مردم. در خیلی از شهرستان‌ها این حالت بود اما در همدان هم به نحو برجسته‌ای قابل مشاهده بود. عزیزان مسئله این است که یک سیاست و یک حرکت خزننده‌ای در کشور از مدتها پیش؛ شاید از ۲۰ سال پیش یا بیشتر، شروع شده بود برای اینکه مسئله شهادت، جهاد، شهادی دفاع مقدس و احساس مسئولیت مردم را به حاشیه برانند و منزوی کنند و از متن مسائل کشور و انقلاب خارج کنند. ابتدا با شیوه‌های غیر مستقیم و بعد که پر رو شدند با شیوه‌های

خلاصه‌ای از بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص شهدای همدان که در مراسم افتتاحیه کنگره نخست پخش شد به این شرح است:
بسم‌الله الرحمن الرحیم
شهدای گرانقدر همدان جزو برجسته ترین‌ها هستند؛ از شهدای روحانی معروف مثل شهید مدنی-ایشان هم در واقع به یک معنا همدانی هستند - تا شهید مفتاح، شهید قدوسی، که حقاً و انصافاً راهنما و پیشوا بودند و بعد خبیل عظیم شهدا و سرداران برجسته مثل همین شهید محمود شهبازی - که عکس او هم اینجا هست - و بقیه شهدای عزیز را که باید جزو این مجموعه به حساب آورد. خداوند انشاء... در جانشان را عالی کند. از مردم همدان هم باید تماماً سپاسگزاری کنیم؛ مردم بسیار خونگرم، خوب و نسبت به جهاد و شهادت جدی.
یادم نمی‌رود سفر زمان ریاست جمهوری در سال ۶۶ یا ۶۵ که برای سیج مردم در آن حرکت عظیم مردمی،

استاندار همدان:

اعتلای فرهنگ ایثار و شهادت با برگزاری کنگره شهدا



شاهد تلاش‌های شبانه‌روزی مسئولان کمیته‌های کنگره در جهت پیشرفت اقدامات بوده‌ایم. که این تلاش‌ها در اعتلای فرهنگ ایثار و شهادت اثربخش خواهد بود.
استاندار همدان با بیان این مطلب گفت: هم‌افزایی بسیار خوبی در جهت پیشرفت اقدامات کنگره در سطح استان وجود دارد و با توسل به شهدا می‌توانیم از بحران‌ها و مشکلات عبور کنیم و گره‌های کور را باز کنیم.
وی در مورد تداوم راه شهدا گفت: به فرمایش رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) زنده نگه داشتن یاد شهدا کمتر از شهادت نیست چراکه تداوم بخش راه شهدا است.
قاسمی فرزند تاکید کرد: اگر امروز در صلح و آرامش هستیم و پله‌های پیشرفت و ترقی را طی می‌کنیم، در سایه امنیت خون شهدا است.
استاندار همدان با بیان اینکه حتی نام شهدا نیز باعث خیر و برکت است گفت: آثار معنوی شهدا در کشور می‌درخشد و حضور و نام شهدا باعث خیر و برکت است.
وی افزود: طی ارزیابی‌های انجام شده، کنگره اول شهدای استان، با کیفیت و بی‌تظنیر بوده است.
استاندار همدان افزود: در تلاش هستیم تا کنگره ملی دوم (۸ هزار شهید استان)، بهتر از کنگره اول برگزار شود؛ زیرا ما نسبت به شهدا تعلق خاطر خاصی داریم و باید دینمون را نسبت به آن‌ها ادا کنیم.
قاسمی فرزند بیان داشت: با توجه به تلاش‌های دشمنان در راستای کم‌رنگ کردن نقش شهدا، باید در معرفی و نکوداشت جایگاه و مقام شهدا بیش از پیش تلاش کنیم.

اساس کار کنگره شهدا احیای آرمان‌ها بین نسل امروز باشد

تفاوت بزرگ است و باید آن را به فال نیک گرفت که کنگره شهدا به فراخور مشکلات جامعه، به خدمت‌رسانی ورود می‌کند. خاطرنشان کرد: یکی دیگر از برنامه‌های مهم این کنگره، نمایش فصل شیدایی است که از جمعه اجرا خواهد شد.
وی اضافه کرد: در این کنگره احزاب و جناح‌ها مهم نیستند، چراکه شهدا خود از اقشار مختلف بودند و اهل سیاسی‌بازی و جناح‌بازی نبودند.
نماینده ولی فقیه در استان همدان ادامه داد: این کنگره بدون تردید هم‌گرایی ایجاد خواهد کرد و می‌تواند یک انسجام اجتماعی در فضای عمومی استان فراهم کند.
وی با بیان اینکه هرچا مردم پای کار باشند و کارها مردمی پیش بروند، نتیجه موفقیت‌آمیز است، اذعان کرد: نباید اجازه دهیم قشر جوان و نوجوان با آرمان‌ها و فرهنگ ناب دفاع مقدس فاصله بگیرد. بر همین اساس نقش نوجوان و جوان در این کنگره باید برجسته باشد.
امام جمعه همدان گفت: برگزاری یادواره و بزرگداشت و امثال این‌ها، ظاهر کار است. اما نهایت و اساس کار این است که بتوانیم آرمان و فرهنگ شهدا را در جامعه احیا کنیم و مهمتر اینکه کنگره باید کمک کند در میان مسئولین برای خدمت‌رسانی بیشتر یک حرکت بزرگ ایجاد شود.

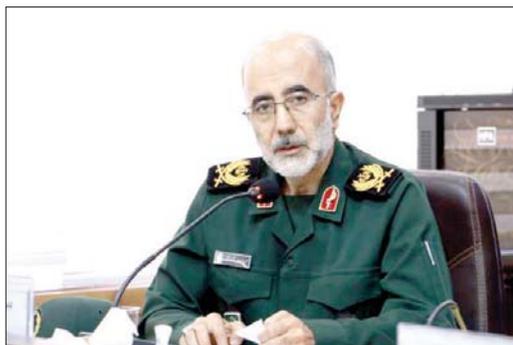


دوم به بهترین شکل ممکن و مطلوب‌تر از کنگره اول برگزار شود.
حجت الاسلام والمسلمین حبیب‌الله شعبانی با بیان اینکه دستگاه‌های اجرایی استان برای برگزاری باشکوه این کنگره تلاش می‌کنند و پای کار هستند.
وی افزود: نقطه عطف برگزاری کنگره دوم این است که صرفاً به بزرگداشت و یادواره خلاصه نشده و در عرصه‌های خدمت‌رسانی و اجتماعی ورود جدی داشته است. شعبانی با بیان اینکه این یک

اساس کار کنگره ۸ هزار شهید، در کنار برگزاری یادواره‌ها و بزرگداشت‌ها باید احیای آرمان و فرهنگ‌های ارزشمند شهدا در میان نسل امروزی باشد.
نماینده ولی فقیه در استان همدان گفت: همدان تجربه برگزاری کنگره شهدا در دهه ۸۰ را دارد که آن رویداد یک کار فاضل و نام‌آور بود، همین موضوع توقع را بیشتر کرده و وظیفه ستاد دومین کنگره را هم سخت می‌کند، اما خوشبختانه این افراد سختی‌ها را به جان خریدند تا کنگره

سردار آزادی تأکید کرد

لزوم توجه به جریان سازی مردمی کنگره شهدا



گفت: رهبر معظم انقلاب فرمودند شهدا زنده‌اند به معنای اینکه اثرگذارند یعنی کمک می‌کنند و جهت می‌دهند و شاهد و ناظر اعمال ما هستند؛ همه مجموعه‌ها کمک

رئیس سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج با بیان اینکه در اجلاس شهدا باید کار ماندگاری انجام شود، گفت: مردم و افسار مختلف درگیر کنگره باشند و این جریان سازی مردمی کنگره شهدا مدنظر باشد.

سردار عبدالرضا آزادی در جلسه ستاد اجرایی دومین کنگره ملی ۸۰۰۰ شهید استان همدان اظهار کرد: شما دستگاه‌ها در حال جهاد هستید و باید قدر و قیمت کار برای شهدا را بیش از گذشته بدانید.

وی با بیان اینکه به این استان تعصب دارم، دوست دارم بهترین باشد و این استان این ظرفیت و این شخصیت را دارد، افزود: مطمئن هستم با کمک شما و مدد شهدا کار پیش برود.

رئیس سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج

است بنابراین افرادی که کار هنری را پیگر هستند باید در این زمینه تلاش کنند.

سردار آزادی با بیان اینکه اجلاسیه یک قله است و باید تلاش کنیم کارهایی که محصول کنگره محسوب می‌شود به اجلاسیه برسد، عنوان کرد: محصولات فاخر را باید به عنوان دستاوردهای کنگره ارائه دهیم که حتی ایشان تقریظ کنند؛ فیلمنامه فیلم شهید همدانی که طرح اولیه است هنوز آماده نیست اما فیلم شهید قهراری به دهه فجر می‌رسد؛ امید است فیلمنامه تا اجلاسیه برسد و مورد تأیید استان و خانواده شهید شود.

وی بیان کرد: محصول کنگره دو فیلم سینمایی است که ممکن است یکی از آنها به جشنواره فجر امسال هم برسد؛ مستندها و بقیه آثار که جای خاص

خود را دارد و امیدواریم سمفونی و تولید آثار در زمان خود به کنگره برسد. رئیس سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج گفت: نمایشگاهی که برگزار می‌شود یک رویداد ملی است که در این رویداد ۱۰۰ تا ۱۵۰ ناشر ملی پای کار می‌آید، یک کار فرهنگی دفاع مقدسی است که همزمان با کنگره برگزار می‌شود و باید تبلیغ و جلسات خوبی برای آن برگزار شود.

وی با بیان اینکه در این اجلاسیه باید کار ماندگاری انجام شود، خاطرنشان کرد: مردم و افسار مختلف درگیر کنگره باشند و این جریان سازی مردمی کنگره مدنظر باشد؛ باید قبل از اجلاسیه یک گزارشی مکتوب از تلاش‌ها به رهبر معظم انقلاب از کارهایی که در این مدت اتفاق افتاده ارائه دهیم.

۲۰۰ عنوان برنامه اصلی برای کنگره عظیم شهدا



رئیس سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج گفت: ۲۰۰ عنوان برنامه اصلی در راستای کنگره ملی شهدای استان همدان برگزار می‌شود.

فرمانده سپاه انصارالحسین (ع) استان همدان گفت: در راستای اجلاسیه کنگره هشت هزار شهید استان همدان ۲۰۰ عنوان برنامه اصلی و دیدار با مقام معظم رهبری تا مهر ماه امسال انجام می‌شود.

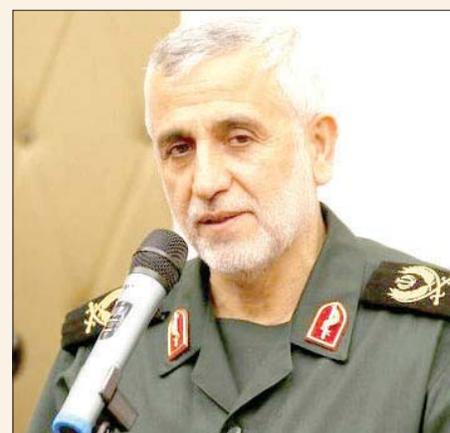
مظاهر مجیدی، اظهار داشت: ۱۱ سال پیش کنگره اول به صورت فاخر برگزار شد و سردار آزادی و شهید حاج حسین همدانی در آن کنگره زحمات زیادی کشیدند و ما نیز تلاش می‌کنیم دومین کنگره در سطحی مطلوب برگزار شود.

مجیدی به برنامه‌های مهمی همچون دیدار با مقام معظم رهبری و اجلاسیه کنگره اشاره کرد و گفت: تشییع شهید گمنام در نمایشگاه بین‌المللی همدان نخستین باری بود که در راستای کنگره در کشور انجام می‌شد و توفیق شد فضای معنوی را در سایت نمایشگاه ایجاد کنیم.

فرمانده سپاه انصارالحسین (ع) استان همدان با اشاره به اجرای برنامه‌های متنوع به یاد و نام ۸ هزار شهید استان همدان گفت: اساس کار کنگره در راستای معرفی و الگوسازی شهدای استان و معرفی فرهنگ ایشان و شهادت به نسل امروز است که نیاز شدیدی به شهدا دارند.

دبیر کل دومین کنگره ملی هشت هزار شهید استان همدان افزود: کنگره دوم را باید به سمتی ببریم که اثربخشی آن در جامعه دیده شود.

وی با اشاره به اینکه لازم است تا مردم را بیشتر درگیر کنگره دوم کنیم، اظهار کرد: در حوزه دانشگاه، دانش‌آموزی و افسار مختلف اقدامات مهمی صورت گرفته و تا پایان کنگره هم انجام



دبیر اجرایی کنگره هشت هزار شهید استان همدان: کنگره شهدای همدان متعلق به مردم است

رئیس سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج گفت: کنگره هشت هزار شهید استان همدان با بیان اینکه این کنگره متعلق به مردم است و برای اجرای آن نباید هیچکس درگیر مسائل سیاسی باشد، گفت: همگی در معرض آزمون بزرگی هستیم و شهدا این روزها ما را آزمایش خواهند کرد.

سردار سرتیپ دوم پاسدار مهدی فرجی، با بیان اینکه این کنگره متعلق به مردم است و برای اجرای آن نباید هیچکس درگیر مسائل سیاسی باشد، اظهار داشت: همگی در معرض آزمون بزرگی هستیم و شهدا این روزها ما را آزمایش خواهند کرد.

وی با بیان اینکه باید برای هرچه بهتر برگزاری این کنگره ملی همگی در تلاش باشیم تا به واسطه آن پرچم استان بالا برود، تصریح کرد: برخی حاشیه‌سازی هستند؛ نباید به این مسائل توجه کرد، مهم این است که شهدا به لحظه لحظه این کنگره توجه و عنایت دارند و کارها به خوبی پیش می‌رود. نکته مهم دیگر اینکه برای برگزاری این کنگره هیچ گونه ریخت‌پاشی نداشته و نخواهیم داشت.

سردار فرجی تصریح کرد: با ادارات و دستگاه‌های اجرایی جلسات مختلفی برگزار کرده‌ایم و رایزنی‌های زیادی صورت گرفته تا با تعامل و همکاری، این کنگره به نحو مطلوبی برگزار شود. اشاعه فرهنگ ایشان و شهادت مورد تأکید مقام معظم رهبری است و بر همین اساس باید همگی برای این کنگره تلاش کنیم.

وی با قدر دانسی از مسئولین ارشد استان به خصوص استاندار همدان بیان داشت: محل اجرای نمایش فصل شیدایی واقع در پشت نمایشگاه بین‌المللی همدان در چندماه اخیر دستخوش تغییرات مهمی شد و بعد از برگزاری این نمایش، می‌تواند به عنوان یک محل دائمی، میزبان برپایی مراسمات آئینی مذهبی باشد که این خود از برکات کنگره شهادت است.

نکته‌ای که رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند «سروز لازم است گوشه‌های زندگی شهدا را بیان کنیم»، بیشتر توجه کنیم. وی با بیان اینکه بنا بر فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی شهدا با کار تجارانه خود با خداوند معامله کردند، ادامه داد: امروز که سال‌ها از دفاع مقدس می‌گذرد، متوجه می‌شویم که چقدر عقب مانده‌ایم و نتوانسته‌ایم بهره ببریم؛ این تکلیف بر دوش ما است که هشت هزار شهید را معرفی کنیم.

سردار مجیدی بیان کرد: ساختار کنگره شهدای استان همدان به این شکل است که یک شورای سیاست گذاری آن را مدیریت می‌کند و ریاست آن به‌عهده ججت‌الاسلام

فرمانده سپاه انصارالحسین (ع) همدان اضافه کرد: شهدای گمنامی در شهرها و روستاها هستند که وقتی وصیت‌نامه آنان را می‌خوانیم، می‌بینیم چقدر با معنا صحبت کرده‌اند؛ باید به این

خواهد شد که بیشتر محوریت خدمت‌رسانی دارد.

دبیر کل دومین کنگره ملی هشت هزار شهید استان همدان با بیان اینکه در حوزه ایشان و شهادت موضوعات بسیاری هستند که بتوان روی آنها کار کرد، گفت: هشت هزار شهید استان نماد کار هستند و هدف‌گذاری‌های کنگره برای انجام اقدامات مختلف، مضرری از عدد هشت به نیت شهدا در نظر گرفته شده است.

سردار مجیدی با تأکید بر اینکه باید اقدامات برای کنگره را به‌گونه‌ای انجام دهیم که اثربخشی آن را در جامعه ببینیم، تصریح کرد: در تلاشیم تا کنگره دوم را به صورت مردمی برگزار کنیم و مردم اثربخشی آن در جامعه را متوجه شوند.

فرمانده سپاه انصارالحسین (ع) همدان اضافه کرد: شهدای گمنامی در شهرها و روستاها هستند که وقتی وصیت‌نامه آنان را می‌خوانیم، می‌بینیم چقدر با معنا صحبت کرده‌اند؛ باید به این



جمعه سرخ همدان

تاریخ شفاهی دفاع مقدس مملو از خاطرات حوادث تلخ و شیرین است که هر کدام از این رویدادها تاثیرات عمیقی را بر اجتماع، سیاست و فرهنگ گذاشته است و برخی از آنها ابعاد ملی و بعضی نیز جهانی یافته‌اند، یکی از این وقایع بمباران شهر همدان در ۲۵ تیر ماه ۱۳۶۱ توسط جنگنده‌های عراق در راهپیمایی روز جهانی قدس است، در این روز نماز جمعه شهر همدان در استادیوم آزادی این شهر بمباران شد و شهدای زیادی به همراه داشت. رزمندگان اسلام با اجرای عملیات رمضان (۱۳۶۱/۰۹/۲۳) برای نخستین بار دفاع را به خاک عراق کشیدند و همزمان بسیاری از شهرهای ایران توسط جنگنده‌های عراقی بمباران شدند، از جمله همدان؛ علی‌الضرف صمیمی، یکی از رزمندگان استان در عملیات رمضان، در این باره می‌گوید:

در مراحل اول عملیات رمضان عراق واقعا صدمات زیادی خورده بود، ستون پنجم به آنها خیر داده بود که چه یگان‌هایی از چه استان‌هایی در عملیات حضور دارند، آنها برای تضعیف روحیه رزمندگان اقدام به بمباران شهرهای ایران کردند از جمله شهر همدان در روز قدس، که خبر آن به رزمندگان و برادر مظاهری (فرمانده گردان خندق) در خط رسید؛ برادر مظاهری گفت: «معلوم است که برادر فشری که به آنها وارد شده، برای تضعیف روحیه رزمندگان همدان را بمباران کرده‌اند این نشانه ضعف آنهاست، نه قدرت. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران نیز در تأیید این مطلب در گزارش خود نوشت:

یکی از علل حمله هواپیماهای دشمن

زبون بعضی به مردم بی‌گناه همدان گرفتن انتقام از مردمی بود که جوانان آنها اولین گروهی بودند که از مرز گذشته و وارد خاک عراق شدند محمد صالح مدرسه‌ای، استاندار وقت همدان، نیز در مصاحبه خود چنین می‌گوید:

وقتی دشمن بعضی توان مقابله و رویارویی را با سپاه اسلام را نداشت، به خیال خام خود از راه‌های دیگری وارد عمل شد و قصد داشت با بمباران‌های هوایی مردم را به وحشت بیناندازد تا صحنه را خالی کنند و میدان را برای تاخت و تاز جیره خواران داخلی باز گذارند. اصولاً جنگ دو بعد دارد با الهی است یا حیوانی، وقتی جنگ با اهداف الهی دنبال شود باید مردانه جنگید، ولی به روش صدام عمل کردن و مراکز اجتماع مردم را هدف قرار دادن، آن‌هم در روز قدس، چیزی جز حیوانی جنگیدن نیست و عراقی که خود را ضد آمریکا و صهیونیسم می‌دانست، می‌بینیم در جهت اهداف اسرائیل راهپیمایی روز قدس را به خاک و خون می‌کشد. با این وجود نمی‌توان او را دوست دانا‌یی برای اسرائیل، دانست زیرا در این صورت، باید مراکز نظامی را هدف قرار می‌داد، ولی می‌بینیم که از این کار عاجز مانده و مردم بی‌دفاع و مستضعف را هدف قرار می‌دهد.

عراق سعی کرد، به مردم و جمهوری اسلامی فشار آورد، تا وضعیت را به سود خود تغییر دهد، اما آنچه حاصل شد دقیقاً عکس هدف آنها بود. عراق با نزدیک شدن روز قدس، عراق اعلام کرده بود، راهپیمایی روز قدس را بمباران خواهد کرد و هر کسی که شرکت نماید، کشته خواهد شد. احمد بی‌کینه، از رزمندگان استان،

در این باره می‌گوید:

با تهدید عراق به بمباران راهپیمایی روز قدس، ارگانهای انقلابی و شخصیت‌های محلی و کشوری مردم را به شرکت در راهپیمایی فرا خواندند، در واقع جنگ روانی آغاز شده و این مردم بودند که با حضور خود جواب تهدید عراقی‌ها را می‌دادند.

در چنین اوضاع و شرایطی راهپیمایی روز قدس برگزار گردید، و در زمان راهپیمایی، همدان در سه نوبت مورد حمله هوایی قرار گرفت و خسارات زیادی به بار آمد.

روزنامه جمهوری اسلامی در این باره چنین گزارش داد:

صبح جمعه خونین قدس در همدان در خیابان‌ها گروه روستائیان را مشاهده می‌کردیم که سوار به کامیون‌ها و تاکتورها و با شعارهای کوبنده «سرگ براسرائیل»، «سرگ بر آمریکا» به منظور شرکت در راهپیمایی روز قدس وارد شهر می‌شدند، ذقایتی بعد از آغاز راهپیمایی و در حالی که مردم روزه دار و انقلابی در نیمه راه مسیر خود به حوالی میدان بوعلی رسیده بودند (ساعت ۹/۳۵)، ناگهان دو انفجار مهیب و پی در پی شهر را لرزاند و در پی آن گرد و غبار عظیمی از دوقطه شهر به هوا برخاست. مردم که برای چند لحظه مهوت بودند به سختی می‌توانستند آنچه را که دیده باور کنند، بارفروخته و با شتاب با هر وسیله ممکن و اکثراً دوان دوان برای حضور در محل‌های انفجار و کمک به مجروحان و آسیب دیدگان به حرکت در آمدند و این در حالی بود که آمبولانس‌ها نیز آژیر کشان خود را به محل حادثه می‌رسانند.

خبرنگار روزنامه جمهوری با مصاحبه با یکی از شاهدان حادثه، آن‌را چنین به

توصیر می‌کشد:

بسیست دقیقه طول کشید تا توانستیم پیاده و سواره خود را به محل برسانیم، شیشه‌های خرد شده و در و پنجره‌های از جاکنده شده و درب مغازه‌هایی که انگار به وسیله اهرم‌های قوی از چارچوب جدا شده اند از شعاع نزدیک به ۷۰۰ - ۸۰۰ متری به محل انفجار جلب نظر می‌کرد. اولین نقطه‌ای که خود را رساندیم، ششصد دستگاه بود. حجم جمعیت بیش از حد انتظار بود و مردم با حسین گویان با هر وسیله‌ای در دسترس خود سرگرم به کنارزدن آوارها بودند، بمب درست در سه راهی ابتدایی ششصد دستگاه به خانه‌های

سازمانی دانشگاه بوعلی که آجری بود اصابت کرده و کاملاً آنها را ویران کرده بود ... راکت در محل برخورد با زمین گودال بزرگی به قطر ۷ متر و عمق ۲ متر ایجاد کرده بود و خروارها خاک و سیمان و آجر و تیر آهن در هم پیچیده بود و تا فاصله چند صد متری تیرهای سیمان برق شکسته و همه کابل‌ها پاره شده بودند. شاخ و برگ درختان شکسته شده در هم ریخته شده بود. دو چند دستگاه اتومبیل بر اثر ترکش بمب خسارت دیده بودند. مردم نقاط فروریخته را که احتمال می‌دادند کسی یا کسانی زیر آوار مانده باشند به یکدیگر نشان می‌دادند و گروهی نیز بدن‌های تکه‌تکه شده را جمع‌آوری می‌کردند و در کیسه می‌ریختند. در چند مورد که ما از مشاهدات عکس می‌گرفتیم، اعتراض کردند که: «برادر! عکس می‌خواهد چه کار؟ کمک کنید!» ... به محل بمباران دوم شتافتیم که معروف به محله سبد باقان است و راکت‌ها درست در وسط خانه‌های گلی فرود آمده و در منطقه‌ای به شعاع

۲۰۰ متر، تل‌هایی از خاک و دیوارهای درهم ریخته مشاهده می‌شد. زیلواها و مختصر اثاثیه منازل در قسمت‌های تخریب شده خود نمایی می‌کرد و در فاصله دورتری دو اتومبیل زیر آوار مانده و له شده بودند تلاش مردم با دست خالی برای بیرون آوردن اجساد از زیر آوار مداوم بود و آه و ناله ماتم زادگان سنگدل‌ترین افراد را متأثر می‌کرد. همچنان که گفته شد، بسیاری از شهدای روز قدس همدان در استادیوم آزادی، خان‌ها بودند.

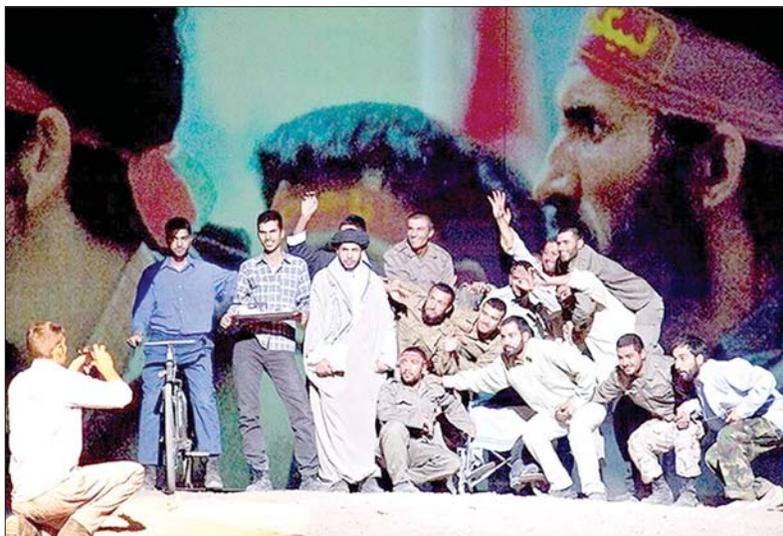
مادر زهرا قهرمانی، دوشیزه ۱۷ ساله ای که از روستای دینگله کهریز در این راهپیمایی بر اثر بمباران به شهادت

رسید، در این باره می‌گوید: «زهرا قرار بود چند ماه دیگر نو عروس خاله اش شود. آن روز به همراه من چادر سفید و کفش‌های نرم و راحت پوشید و همراه خیل جمعیت، از میدان امام (ره) تا استادیوم قدس را پای پیاده و با سر دادن شعارهایی علیه آمریکا و اسرائیل طی نمود و وقتی که به نمازگزاران پیوستیم، وضویی تازه ساخت و در صفوف نمازگزاران قرار گرفت. ناگهان صدای مهیب انفجار همه جا را فرا گرفت، همه منتظرین نماز جمعه باشنیدن صدای انفجار سرها را به طرف زمین فرود می‌آوردند، لحظه‌ای که پس از انفجار سرمان را برداشتیم، چیزی جز چادرهای پراکنده، مهرها و تسیخ‌های خونین، جسم‌های بی جان و بیکرهای تکه‌تکه شده و فریاد و دود و آتش ندیدیم. زهرا از ناحیه کتف راست ترکش خورده بود. او را در آغوش کشیدم و گرمی خون او را در دست چپ احساس کردم. چند لحظه بعد، زهرا به دیدار می‌بود شتافت...»

«فصل شیدایی» گویی با جان و تن حاضر در تبار عشق می‌شوند و شاهد و ناظر بر سلسله عشاق؛ جزء به جزء و ریز به ریز مخاطبان خاصه رشادت می‌شوند و شیدایی، دمی در رزم با ناهلان و دم دیگر شجاعت پر قله‌های پرافراشته و حماسه حضور در جنگ با دشمن دیروز و امروز انگار خلاصه می‌شود در رزم‌نامه‌ای برای ایستادن حق بر بلندای تاریخ از حضرت آدم تا آدم در صفر ۱۴۴۵ هجری.

«و بدان که خداوند آسمان و زمین و آفتاب و ماه و ستارگان و عالم را به برکت پنج تن آفرید و بدان که هستی و هر چه و هر که در اوست به یمن پنج تن روزی می‌خورند و اگر آسمان و زمین پابرجاست از انوار محمد و آل محمد است. می‌گویی نه! پس بدان آدم ملمسانه از خدا خواست تا از گناهش در گذرد «بار خدایا! از گناه من درگذر و من را ببخشا، ببخشا، بارخدایا از گناه من درگذر».

و آدم زرمزه کرد آنگاه که خدا را برای پذیرش توبه خویش قسم می‌داد: «یا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ، یا عالیِّ بِحَقِّ عَلِيٍّ، یا فاطِمَیِّ بِحَقِّ فاطمه، یا مُحَمَّدِ بْنِ الحَسَنِ، یا قَدِيمَ الإِحْسَانِ بِحَقِّ الحَسَنِ». آدم که به نام حسین رسید جبرئیل را مخاطب قرار داد و پرسید این حسین کیست که نامش دل را به جوش می‌آورد؛ با نامش جوشی تو گویی خروشی دلم را فرا گرفت. و جبرئیل قصه حسین را باز گفت و آدم در عزای حسین آن سان گریست تا پروردگار توبه‌اش را پذیرفت. آری، توسل از اصول امیل و رکیب



فصل شیدایی؛ رزم‌نامه‌ای از آدم تا خاتم

اعتقاد شیعه است؛ آدم به خمسه طیبه و پنج تن آل عبا متوسل شد، نوح در آن طوفان عظیم، ابراهیم وقت ورود به آتش و موسی در مقابل با قوم بنی‌اسرائیل دامن پنج تن را گرفت. همه انبیا و اولیا به وقت مهالک و خطرها دامن پنج تن می‌گرفتند و به اندن جبرئیل می‌خواندند «یا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ، یا عالیِّ بِحَقِّ عَلِيٍّ، یا فاطِمَیِّ بِحَقِّ فاطمه، یا مُحَمَّدِ بْنِ الحَسَنِ، یا قَدِيمَ الإِحْسَانِ بِحَقِّ الحَسَنِ». در فراسوی تاریخ ندای، «یا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ، یا عالیِّ بِحَقِّ عَلِيٍّ، یا فاطِمَیِّ بِحَقِّ فاطمه، یا مُحَمَّدِ بْنِ الحَسَنِ، یا قَدِيمَ الإِحْسَانِ بِحَقِّ الحَسَنِ».

روز مباحله هم که رسید همچون دیگر بزنگاه‌ها پیامبر همراه با حسین و علی ابن‌ابیطالب و فاطمه‌زهررا حاضر شد اما مسیحیان نجران گفتند مباحله نکنید «چهره‌هایی می‌بینیم که اگر از خدا بخواهند کوهی را از جا درآوردند این چنین خواهد کرد؛ مباحله نکنید». در فراسوی تاریخ ندای، «یا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ، یا عالیِّ بِحَقِّ عَلِيٍّ، یا فاطِمَیِّ بِحَقِّ فاطمه، یا مُحَمَّدِ بْنِ الحَسَنِ، یا قَدِيمَ الإِحْسَانِ بِحَقِّ الحَسَنِ».

همان روایت و حکایت سلسله عشق عالم از خلقت تا ظهور که حالا ۱۵ شب در همدان برگ به برگ خوانده و از فراسوی تاریخ قدم به قدم راه شد.

صفحه‌ای که تصویرساز مديونیت عالم و آدم است به پنج تن آل عبا و این بار برای بیست و دومین مرتبه در همدان عشاق؛ جزء به جزء و ریز و ریز مخاطبش از ششی ۱۲ هزار مشتاق گذشت.

گرچه روایتی از سه فصل «انبیا»، «حواوت صدر اسلام»، و «معاصر» «حیووت حضرت آدم تا ظهور امام عصر(عج) را در خود دارد اما حکایت هنرمندان جوش و خروش دل به وقت حماسه کربلایش چیزی دیگری است و قصه توسل از آدم تا امروز وصله جانشدنی.

فصل شیدایی انگار روضه مصور بر عزای حسین است و تجلی ماه سرخ شام غریبان؛ از حق نگذیریم نسوی وقایع صدر اسلام، انبوه مخاطب را به تاریخ معاصر می‌برد و در سفری هر چند کوتاه گرمای داغ لاله‌های گلگون کفن وطن را منتقل می‌کند.

گویی با جان و تن حاضر در تبار عشق می‌شوند و شاهد و ناظر بر سلسله عشاق؛ جزء به جزء و ریز به ریز مخاطبان خاصه رشادت می‌شوند و شیدایی، دمی در رزم با ناهلان و دم دیگر شجاعت پر قله‌های پرافراشته و حماسه حضور در جنگ با دشمن دیروز و امروز. هر آنچه در فصل شیدایی دیدید خلاصه می‌شود در رزم‌نامه‌ای برای ایستادن حق بر بلندای تاریخ از حضرت آدم تا آدم در صفر ۱۴۴۵ هجری.

عقرب زد

اوایل انقلاب گروهی موسوم به گروه «عقرب زد» فعال بود که دانش‌آموزان را به منجلاب فساد می‌کشید و پس از تجاوز و اعمال شنیع خود، آنان را به قتل می‌رساند. فعالیت این گروه، موجب ایجاد جو رعب و وحشت در میان مردم شده بود که در نهایت، اعضای آن توسط سپاه پاسداران شناسایی و به دار مجازات آویخته شدند.

خانم مرضیه حدیدچی دبایع که در سمت فرماندهی سپاه همدان، موفق به شناسایی و کشف گروه مذکور شده بود، در کتاب انقلاب اسلامی در همدان که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده در این مورد می‌گوید:

«باند تهپکار «عقرب زد»، خیلی تکان‌دهنده و وقیح بود و حکایت از یک بیماری روانی و جنون‌آمیز داشت. آن‌ها در حاشیه شهر، در آغل مخروبه‌ای، نیات کثیف خود را عملی می‌کردند. آن‌ها بچه‌های ریه‌ده شده را با الاغ و قاطر به آنجا می‌آوردند و دست‌ها و پای‌شان را با زنجیر می‌بستند و مرتکب کارهای شنیع می‌شدند و بعد آنها را به طرز فجیعی می‌کشند و در گودال‌هایی که در همان جا حفر کرده بودند دفن می‌کردند.

افراد «عقرب زد» خیلی حرفه‌ای عمل می‌کردند و از خود ردی به جا نمی‌گذاشتند. برادران پاسدار برای کشف آنها خیلی زحمت می‌کشیدند و پس از کلی تعقیب و گریز، آن‌ها را دستگیر و بسزای اعمالشان رساندند. رهبر این باند، درباره وجه تسمیه عقرب زد می‌گفت که عقرب سیاه وقتی موجود زنده‌ای را نیش می‌زند، او را می‌کشد، ولی نیش عقرب زد موجب مرگ ناگهانی نمی‌شود، بلکه به تدریج جانش را می‌گیرد. شیوه کار آنها نیز این‌طور بود. پس از دستگیری آنها، مردم شهر که از اعمال همدان بازگشته؛ اما نزدیک همدان به شدت تصادف کردم و دو تا از مهره‌های گردنم شکست. وضعیت وخیمی داشتم. به همین دلیل، با هواپیما از همدان به تهران منتقل شدم و مدتی تحت درمان و مداوا بودم. در زمانی که من در بیمارستان بستری بودم، حکم رهبر باند عقرب زد به اجرا گذاشته شد و تا حدی دل‌های خانواده‌های قربانیان و مردم شهر، التیام و تسکین یافت.

کنگره‌ای به عظمت شهید و شهادت



دفاع مقدس است از زوایا و ابعاد مختلف آن به منظور آشنایی نسل جدید و نسل‌های آینده ضرورتی غیرقابل انکار است. پس از برگزاری موفق و باشکوه نخستین همایش سرداران، امیران، فرماندهان و هشت هزار شهید استان همدان در آبان ماه سال ۸۹، دارالمجاهدین و دارالمؤمنین همدان امسال میزبان یکی از بزرگترین و مهمترین رویدادهای فرهنگی و معنوی با عنوان دومین کنگره ملی هشت هزار شهید استان همدان است.

ها و فرآیند برگزاری و بهره مندی از برکات کنگره‌ها هم بسیار حائز اهمیت است و آن را باید به مثابه گنجینه‌ای بدانیم که هر چه و هر آنکس بتواند سهمی بیشتر از آن برداشت کند بی گمان در رسیدن به اهداف آن نیز موفق تر عمل کرده است. باید پذیرفت که امروزه بررسی و تحلیل محتوایی و پرداختن به جان مایه و درون‌مایه‌ای که برخاسته از جوهره معنوی و آزادی‌خواهانه ملت رشید ایران در دوران هشت سال

تحلیل و تبیین محتوای وجودی و جوهره اصلی کنگره عظیم شهیدا که به طور معمول در هر استانی برگزار میشد حدود ۱۰ تا ۱۵ سال زمان می‌برد امروزه یکی از بارزترین، بزرگترین و باشکوه‌ترین رویدادهای فرهنگی و اجتماعی به شمار می‌رود.

دفاع مقدس صحنه مردانگی‌ها، حماسه‌ها و رشادت‌ها و تبلور واقعی کربلا و عاشورای حسینی است؛ با تورق و تعمق بیشتر بر سیر تاریخی ایران این حقیقت بیش از پیش آشکار می‌شود که هویت و فرهنگ این مرز و بوم و هر آنچه مایه عزت و آزادمردی این ملت می‌شود از گذرگاه دوران طلایی دفاع مقدس می‌گذرد. دفاع مقدس اوج رویش فرهنگ ناب و مترقی ایرانی و اسلامی (عاشورایی) است، فرهنگی به بلندای تاریخ که ریشه در اعماق و خواسته‌های ملتی شجاع و با فرهنگ داره، ملتیی که در تمامی ادوار و تاریخ پرشکوه عزت، شرف، مردانگی و ظلم‌ستیزی موج می‌زند. البته نوع پردازش و تنوع برنامه

مدرسه طلاب

شهید مفتاح علاوه مبارزات سیاسی در امر تربیت نیروهای مؤمن انقلابی نقش بسیار موثری داشت. وی با تعلیم و تربیت جوانان در حوزه دانشگاه اهتمام ویژه‌ای به تربیت نیروی انسانی مورد نیاز انقلاب اسلامی داشت. یکی از اقدامات شهید مفتاح پایه‌گذاری مدرسه علمیه مهدی موعود (عج) برای طلاب همدانی بود. در کتاب «زندگی و مبارزات آیتا... شهید دکتر مفتاح» که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر ماجرای تأسیس این مدرسه علمیه را این چنین می‌خوانیم:

در سال ۱۳۵۴، دکتر مفتاح به همراه آیتا... حسین نوری همدانی بر آن شدند تا مدرسه‌ای برای طلاب همدانی ایجاد کنند. به همین منظور، قبیض‌های کمک به احداث مسجد تهیه گردید و در اعلامیه‌ای، این تصمیم به اطلاع عموم مردم رسید. در نامه‌ای که آیتا... مفتاح و آیتا... نوری به برخی اشخاص علمی ارسال کرده بودند، آمده است:

همان طور که در اعلامیه منعکس است، به منظور تأسیس مدرسه‌ای برای طلاب جوان همدان در قم برنامه‌هایی منظم و تصمیم گرفته شده است، امید است با همکاری‌های آن حضرت جامه‌ی عمل بیوشد. حسین نوری، محمد مفتاح.

آیتا... مفتاح تا لحظه شهادت توانسته بود، مبلغ یک میلیون و دویست هزار تومان برای احداث مدرسه جمع‌آوری کند. پس از شهادت خانواده‌ی ایشان در دیدار با حضرت امام (ره) جریان پول و قصد دکتر مفتاح را به اطلاع معظم‌له می‌رسانند. حضرت امام هم دستور می‌دهند، پول در اختیار آیتا... نوری همدانی قرار گیرد.

آیتا... نوری همدانی در ادامه می‌گویند: «این جانب نیز با بعضی افراد خیراندیش، مطالب را در میان گذاشتم تا بالاخره پس از فراهم شدن مقدار قابل توجه دیگری، یک نفر خیراندیش حاضر شد، هشتصد متر زمین در اختیار گذاشته و پانصد هزار تومان نیز کمک نماید. بالاخره، این مدرسه در چهار طبقه با یک سرداب بزرگ و چندین مُدرس و کتابخانه تأسیس گردید».

این مدرسه که به نام مهدی موعود (ع) نام‌گذاری شده است با حدود دویست طلبه، زیر نظر آیتا... نوری همدانی اداره می‌گردد و از باقیات صالحات آیتا... دکتر مفتاح هم به حساب می‌آید، زیرا در بوجود آمدن آن تلاش بسیار داشت هر چند مدرسه بعد از شهادت او دایر گردیده است.



حمله به پایگاه نوژه

مراجعت در نزدیکی پایگاه نوژه توسط پرسنل پایگاه مورد حمله قرار گرفتند و سقوط کردند. یکی از خلبانان بعضی میگ‌ها که زنده مانده بود دستگیر شد و در اختیار مسئولین پادگان قرار گرفت. همچنین در این گزارش آمده است: جنگنده‌های متجاوز بعضی قصد داشتند ماهواره مخابراتی اسدآباد را نیز بمباران کنند که خوشبختانه موفق به این کار نشدند.

آخرین خبر خبرنگار کیهان در همدان که صبح امروز گزارش شد حاکیست که ۴ فروند میگ بعضی که از سوی قهرشیرین به طرف همدان می‌آمدند بنا بر دیگر فرودگاه شهر را بمباران کردند. مسئول روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همدان ضمن تأیید این خبر گفت: خوشبختانه هیچ یک از این بمب‌ها عمل نکرده‌اند و برادران پاسدار بلافاصله آنها را خنثی کردند.

خوشبختانه بطور معجزه آسایی منفجر نشد و این رخداد نشان داد که خداوند همواره یار و یاور مردم قهرمان ایران است چرا که در صورت وقوع انفجار قسمت اعظم نقاط حساس پایگاه از بین می‌رفت. وی احتمال داد که خلبان میگ‌های رژیم بعضی از ایرانیانی باشند که پس از پیروزی انقلاب از ایران به کشورهای مختلف گریخته‌اند.

نماینده امام در پایگاه نوژه گفت: احتمال دارد اشرف خواهر شاه مخلوع نیز در این جریان دست داشته باشند. وی در مورد علت عدم ثبت رادار «سوپاشی» هنگام ورود هواپیماهای بعضی به ایران گفت: البته مسئولین می‌گویند که رادار نقص فنی داشته است ولی باید در این زمینه دقیقاً بررسی به عمل آید. خبرنگار کیهان در همدان همچنین گزارش می‌دهد که سه فروند میگ بعضی در حین

ساعت ۲:۴۵ دقیقه بعد از ظهر ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ چهار فروند جت شکاری بعضی که در ارتفاع کم پرواز می‌کردند باند فرودگاه همدان و پایگاه نوژه را بمباران کردند. گزارش خبرنگار روزنامه کیهان از همدان بدین شرح است:

حاجیلو معاون فرودگاه همدان ضمن تأیید این خبر گفت: آسیب غیرقابل جبرانی به باند فرودگاه نرسیده است. ۶ فروند میگ رژیم بعث نیز که از نوع «ساخو» بودند، روز گذشته پایگاه هوایی نوژه همدان را مورد حمله قرار دادند و به باند فرودگاه پایگاه آسیب رساندند.

حجت‌الاسلام رضوانی نماینده امام در پایگاه هوایی نوژه در گفت‌وویی با خبرنگار کیهان گفت: به باند فرودگاه پایگاه آسیب جزئی وارد شده است. وی افزود: این میگ‌ها بعضی نیز به داخل بخش مهمات پایگاه انداختند که

عملیات مرصاد و شهید همدانی

تنها سلگی با سه گردان که آماده حرکت به جنوب بودند مانده بود، که این سه گردان را به بالای ارتفاع و سمت چپ تنگه و یال تنگه برده و مستقر کردیم. البته به خاطر آن دستوری که به سلگی داده بود و او رفته و برگشته بود که از پاهایشان خون جاری شد، واقعاً شرمند شدم که به این برادر جانباز این دستور را دادم. ما به اتفاق برادر احمدی مقدم به بالای ارتفاع رفتیم و آرایش نیروهای نفاق را مشاهده کردیم که آن‌ها پشت تنگه چارزیر تا تنگه حسن‌آباد به ستون پشت سر هم هستند و قصد عبور از تنگه چارزیر را دارند. با بعضی از فرماندهان گردان‌های لشکر انصار تماس گرفتیم، که آن‌ها نیز درخواست نیروهای کمکی را داشتند



و می‌گفتند که به شدت زیر فشار هستیم و تعدادی شهید و مجروح داریم. بنده گفتیم که مقاومت کنید، الان نیروی کمکی می‌رسد. ضمن اینکه هنوز نیرویی نرسیده بود. برادر پهرام مبارکی که فرمانده گردان ۱۵۴ حضرت علی‌اکبر بود به اندازه‌ای مقاومت کرد تا به شهادت رسید.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

گفتم: خودت دیدی؟ گفت: نه برادران اطلاعات لشکر گزارش داده‌اند. برادر سلگی هر دو پایش مصنوعی بود چون در فدا تو ترکش خورده و هر دو پایش قطع شده بود. گفتم: باید خودت بالای ارتفاعات بروید و ببینید. ایشان رفت و گزارش داد که صحیح است. به برادر عسگری گفتم: شما هرچه می‌توانید نیرو اعزام کنید و به بسیجیان اسلحه

که سرپرستی سپاه همدان را برعهده داشتند، سؤال کردم چه خبر است؟ گفتم: می‌گویند منافقین حمله کرده و به چارزیر رسیده‌اند، گفتم: این خبر صحیح نیست، تماس دارید؟ گفتند: بله با رئیس ستاد لشکر انصارالحسین برادر میرزا محمد سلگی ارتباط داشتیم. با سلگی تماس گرفتیم و گفتم: چه خبر؟ ایشان هم همان خبر را داد.

عملیات مرصاد یکی از شگفتی‌های سال پایانی جنگ بود. سازمان مجاهدین خلق (منافقین) پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران، به پشتوانه رژیم بعثی صدام اقدام به اجرای عملیاتی با عنوان «فروغ جاویدان» کردند که به زعم خود تهران را طی ۲۴ ساعت تسخیر کنند. اما در تنگه چارزیر با مقاومتی بی‌سابقه مواجه شده و در کمین رزمندگان اسلام گیر افتادند.

سردار شهید حاج حسین همدانی از اولین فرماندهانی بود که به دلیل آشنایی با منطقه و استقرار لشکر انصارالحسین همدان در آن محدوده، در صحنه جنگ وارد عمل شد. شهید همدانی در بخشی از خاطرات خود که در گنجینه تاریخ شفاهی مرکز اسناد

انقلاب اسلامی ثبت و ضبط شده است درباره عملیات مرصاد می‌گوید: بعد از درگیری‌های سنگین جنوب در کنار جاده خرمشهر- اهواز و آرام شدن منطقه، برای یک جلسه هماهنگی به همدان آمدم، چون مقر اصلی سپاه سوم در همدان بود، صبح به شهر همدان رسیدیم و دیدم که اوضاع در داخل سپاه آشفته است، از برادر عسگری

کدام شهر آتش کینه رژیم بعثی را شعله ور کرد؟

۴۵ بار بمباران، هزاران بار مقاومت



گزارشی از حمله موشکی دشمن بعثی به همدان

استان همدان در دوران جنگ تحمیلی ۱۰۹ بار مورد حمله هوایی، بمباران و حمله موشکی قرار گرفت که در این فیلم گزارشی از حمله موشکی رژیم عراق به همدان را می بینید. در سال‌های دفاع مقدس در شرایطی که عراق به دلیل رشادت رزمندگان اسلام در جبهه‌ها متحمل شکست‌های بسیاری شده بود، رژیم بعث عراق دست به حمله‌های بی شمار هوایی به مناطق مسکونی و غیر نظامی زد. هر چند این حملات از روزهای آغاز جنگ وجود داشت اما پس از سپری شدن سال‌های نخست جنگ و غلبه ملموس نیروهای ایرانی بر نیروهای عراقی، شدت گرفت به طوری که استان همدان ۱۰۹ بار مورد حمله هوایی، بمباران و حمله موشکی قرار گرفت و شهدای بسیاری را تقدیم به انقلاب و ایران کرد.

در این حمله هوایی ساعت ۱۱:۲۵ دقیقه روز ۱۵ فروردین سال ۱۳۶۴ در نوع خود بی نظیر بود و اصابت موشک به یکی از پر جمعیت ترین نقاط مسکونی شهرستان همدان خسارات جانی و مالی بسیاری را به جای گذاشت. پس از آن خیابانی که نقطه اصلی برخورد موشک بود به بلوار موشک معروف شد و همچنان مردم همدان گاهی این بلوار را که نام اصلی آن بلوار ۱۵ فروردین است را همان بلوار موشک خطاب می کنند.

اکرم حیدری بانوی آماده شهادت

بانویی که قبل از ارسال غذا به جبهه از آنها می خورد میبازا توسط منافقان سومی شده باشند.

اکرم حیدری یکی از دیربان بازتخته و زنان ایثارگری است که در روزهای سخت دفاع مقدس با توجه به بمباران‌های شدید نتوانست برای اینکه مشکلی برای رزمندگان پیش نیاید قبل از بسته بندی مواد غذایی و ارسال آن به جبهه از مواد خوراکی می خورد تا اگر غذایی به وسیله منافقان آلوده یا سومی شده به جبهه نرسد.

وی در این زمینه گفت: با شروع جنگ تحمیلی و بمباران‌های دیوانه‌وار حزب بعث، خواهران ناهوندی در بخش تدارکات کار می کردند و با جمع آوری کمک‌های مردمی در مدیریت جنگ نقش داشتند، آنها با سر دادن شعارهای حماسی رزمندگان را به شرکت در جنگ ترغیب می کردند و بسیاری از برادران و پدران و همسران خود را روانه جبهه‌ها می کردند.

این بانوی رزمنده ناهوندی افزود: در سال‌های آغازین جنگ، بمباران ناهوندی توسط هواپیماهای عراقی شدت گرفته بود و سبب وجود مشکلات زیادی برای مردم شد، در این زمان بانوان باز هم به خوبی به مدد مردم می آمدند و مجروحان ناشی از بمباران‌ها را به بیمارستان منتقل کرده و مداوا می کردند.

شهر بمباران شد اما مراسم تشییع شهدا تعطیل نشد

وی اظهار کرد: راهپیمایی روز ۲۲ بهمن سال ۶۵ در ناهوندی که مصادف با تشییع پیکر ۳۵ شهید ناهوندی عملیات کربلای ۵ بود را کسی از یاد نمی برد، در این روز هواپیماهای عراقی شهر را بمباران کردند که تعدادی نیز شهید و مجروح شدند ولی مراسم و تشییع پیکر شهدا تعطیل نشد.

بمباران منازل مسکونی شهرها در سال‌های پایانی جنگ در کشور فراگیر شده بود، در ناهوندی نیز همانند دیگر شهرهای کشور مردم برای در امان ماندن از اصابت ترکش بمب‌ها و یا گرفتاری زیر خوارها آوار با نصب چادر در اطراف شهر و یا اسکان در روستاها (که البته هیچگاه خالی از سکنه نشدند) جان خود را نجات دهند اما در چنین شرایطی عزیزان خود را به جبهه‌ها می فرستادند تا تلاقی اعمال پست دشمن در کشتار بیگانه‌ها را از نیروهای بعثی بازستانند.

هنوز خاطرات آن روزهای سخت و آوارگی از خانه و کاشانه از ذهن مردم این دیار پاک نشده و آن را یکی از سخت ترین شرایط دوران جنگ می دانند اما مقاومت‌شان باعث شد دشمن نتواند از این تاکتیک خود بهره ببرد و سرانجام دلاورمردان ما سرافرازانه دشمن را وادار به عقب‌نشینی کردند.

بمباران هوایی ناهوندی توسط عراق ۱۴ آبان سال ۱۳۶۲ رخ داد، از آن تاریخ به بعد این شهرستان ۴۵ بار آماج موشک قرار گرفت و در اثر آن ۲۰۰ نفر از مردم بی دفاع آن شهید، ۶۰۰ نفر مجروح و ۱۱۷ نقطه بمباران شد.

کافیست به تاریخ پرفراز و نشیب ناهوندی در دوران معاصر نگاهی بیندازیم، آن چه می بینیم کارنامه‌ای است پر از رشادت، مبارزه و مقاومت.

تاریخ مبارزات قبل از انقلاب این مردم در اوج خفقان ستم‌شاهی حاکی از آزادی و ایستادگی در برابر ظلم و ستم بود. مردمانی که آغازگر نوعی مبارزه مسلحانه هر چند کوچک با طاغوت بودند و در این راه ۶ تن از بهترین جوانان این دیار را تحت عنوان «گروه ایوب» تقدیم کردند تا برای همیشه سند جاودانگی این دیار را در تاریخ مبارزات ستم‌شاهی ثبت کنند.

علاوه بر مجاهدت‌ها و جانفشانی جوانان ناهوندی در دوران قبل از انقلاب، می توان یکی دیگر از صحنه‌های رشادت مردم این دیار اعم از جوانان، نوجوانان و پسران را در دوران دفاع مقدس مشاهده کرد که با آغازین روزهای هجوم وحشیانه نظام بعث و حامیش دوشادوش دیگر مردم کشورمان با حضور در جبهه‌های حق علیه باطل زیباترین تصاویر ایثار و شهادت را خلق کردند.

هشت سال دفاع مقدس، آزمونی بزرگ بود بر اثبات قدرت ایمان و پایداری ملت ایران، روزهایی سرشار از حماسه‌آفرینی و سلحشوری.

مقاومت در جنگ شهرها

یکی از ابعاد مهم این دوران ایستادگی و مقاومت مردم در شهرهاست که کیلومترها دورتر از خط مقدم با دشمن رخ داد، جنگی زبانه از سوی دشمن با مردم بی دفاع و کودکان و زنان که «جنگ شهرها» لقب گرفت، دشمن به تلافی شکست در جبهه‌ها از دلاورمردان ایران با حمله به شهرها سعی داشت روحیه رزمندگان ما را تضعیف کند اما مردم با وجود هزاران کشته و زخمی نه تنها متزلزل نشدند بلکه روز به روز مقاوم تر شدند و روحیه رزمندگان را در جبهه‌ها تقویت کردند.

شهری که مورد کینه رژیم بعث قرار گرفت

ناهوندی از معدود شهرهای کشور بود که از سال‌های اولیه جنگ به واسطه اعزام چشمگیر نیرو به خطوط مرزی مورد کینه دشمن قرار گرفت به گونه‌ای که رژیم بعث در هر بار شکست خود در جبهه‌ها به بمباران شهرها رو می آورد و نام ناهوندی را در کنار شهرهایی مانند ذرفول که نماد مقاومت و پایداری لقب گرفته، برای بمباران اعلام می کرد، فردای آن روز شهر مورد اصابت

بمب‌ها و موشک‌ها قرار می گرفت، هر چند این اقدام نتوانست در عزم و اراده مردم تاثیر بگذارد و یا وحشت را در منطقه حاکم کند. بمباران هوایی ناهوندی ۱۴ آبان سال ۱۳۶۲ رخ داد، از آن تاریخ به بعد این شهرستان ۴۵ بار آماج حمله دشمن قرار گرفت که در اثر آن ۲۰۰ نفر از مردم بی دفاع شهر شهید، ۶۰۰ نفر مجروح و ۱۱۷ نقطه شهر بمباران شد و صدها خانه ویران.

کدام مناطق ناهوندی بیشتر بمباران شدند؟

یکی از وحشیانه ترین حملات دشمن در جریان بمباران حمله هوایی به منطقه «پای قلعه» بود که هفدهم فروردین سال ۱۳۶۴ انجام گرفت و بر اثر آن ۲۵ نفر از اعضای چند خانواده که عمدتاً فامیل بودند شهید شدند.

مهمترین مراکز شهر ناهوندی که در طول بمباران‌های هوایی مورد حمله قرار گرفتند دبیرستان پروین اعصامی، کوچه میری، کوچه گیان‌راه، پای قلعه، مهدیه، خیابان گلشن، باغچه توکلی، خیابان حافظ، اداره برق و دهها منطقه دیگر ناهوندی بود که در اثر این حملات کودکان و زنان زیادی به شهادت رسیدند.

یکی از دردناک‌ترین حوادث بمباران شهر ناهوندی اصابت موشک به دبیرستان پروین اعصامی در حین برگزاری امتحانات پایان سال بود که در اثر آن دو دانش آموز به شهادت رسیدند.

احمد قیاسی که سال ۱۳۶۳ دانش آموز سال سوم دبیرستان بوده در خاطرات خود از آن دوره عنوان کرد: به همراه تعدادی از دانش آموزان هشت بار در مناطق بمباران شده ناهوندی حاضر شدیم و به مردم آمدادرسانی کردیم.

وی افزود: شهادت بهترین رفیقم «بابک رضایی» را هنوز به عنوان تلخ‌ترین حادثه روزهای خون و اشک ناهوندی در خاطر دارم؛ نوزدهم اسفند ۱۳۶۳ بود؛ ساعت ۱۰:۳۰ صبح امتحان ادبیات داشتیم، ساعت ۸:۱۵ صبح هواپیماهای عراقی میدان ژاندارمری آن روزها به سمت منطقه «کوشه سراسیاب» ناهوندی را به شدت بمباران کردند.

قیاسی افزود: در این روز که همه شور و شوق رسیدن به عید نوروز را داشتیم بمباران هواپیماهای جنگی رژیم بعث عراق باعث شد من بهترین دوستم به همراه برادرش «امیراشکان» را از دست بدهم.

هدف صدام از بمباران شهرها ایجاد جنگ روانی و کاهش روحیه مقاومت در رزمندگان بوده، به زعم دشمن این کار باعث می شد رزمندگان نگران خانواده‌های خود شده و دست از نبرد بردارند اما غافل از اینکه هر چقدر دشمن به این کارهای رو می آورد مردم ما قوی تر می شدند و جانانه تر در جبهه‌ها با دشمن می جنگیدند.

مادر شهید و اسوه مقاومت شهیدا برای حفظ ما جان باختند



زنان از ابتدای تاریخ تاکنون حماسه‌های باشکوه و بی‌بدیلی در ایران اسلامی ایفا کرده‌اند. از جمله آن هشت سال دفاع مقدس که با همراهی و همصدایی دوشا دوش مردان حماسه‌های جاودان و ماندگار خلق کردند.

زنان جمهوری اسلامی ایران تاکنون پا به همه عرصه‌های حماسی تربیتی، فرهنگی و سیاسی نهاده‌اند و حضور پررنگ بانوانی که در ۸ سال جنگ تحمیلی ۸ سال دفاع مقدس دوشا دوش مردان با غیرت و فداکار پای انقلاب و دین سرزمین ماندند، و با فراهم آوردن اقلام موردنیاز رزمندگان جبهه، تا بیرون راندن متجاوزان از مرزهای سرزمینمان ایستادند و پا به پای مردان جنگیدند. سراغ مریم رستمی مادر و خواهر شهید، بانویی از تبار روستای طاسران شهرستان کیوردانگ رفقا، ایم که در زمان جنگ تحمیلی از بانوان فعال در عرصه خدمت رسانی به جبهه بوده است.

لطفا خودتان را معرفی کنید

مریم رستمی، متولد سال ۱۳۲۶ هجری، در یک خانواده مذهبی در طاسران به دنیا آمد. خواهر شهید ذبیح رستمی و مادر شهید پیرامعلی رضایی هستند.

چه فعالیت‌هایی برای کمک به جبهه در دوران دفاع مقدس انجام می‌دادید؟

زنان محله را به مسجد روستا دعوت می‌کردیم و با توجه به تخصص و تجربه بانوان از آنها برای تهیه اقلام مورد نیاز جبهه کمک می‌گرفتیم.

برخی از بانوان در بافتن شال، کلاه برای رزمندگان کمک می‌کردند و بقیه نیز در تهیه مواد غذایی و خشکبار و حیویات و بسته بندی آنها کمک می‌کردند.

روزانه چند نفر برای کمک به جبهه در مسجد حضور پیدا می‌کردند؟

تعداد بانوانی که در این فعالیت کمک می‌کردند زیاد بود روزانه ۱۵ نفر یا بیشتر بودند که حضور پررنگ‌تری داشتند.

چه خاطره‌ای از زمان کمک‌رسانی دارید بازگو کنید؟

زمان زیادی از سال‌های دفاع مقدس می‌گذرد و من خاطره خاصی در ذهنم نمانده اما اندک حضور ذهنی که دارم من به همراه چند نفر از بانوان مسئول جمع‌آوری کمک بودیم، محله به محله می‌رفتیم و درب منازل را می‌زدیم و کمک‌های مردمی را در ذره ذره جمع‌آوری می‌کردیم.

در آن زمان که مثل حالا کیسه‌های پلاستیکی فراوان نبود، مجبور بودیم کمک‌های جمع‌آوری شده را در چادرهایمان بریزیم و به مسجد منتقل کنیم.

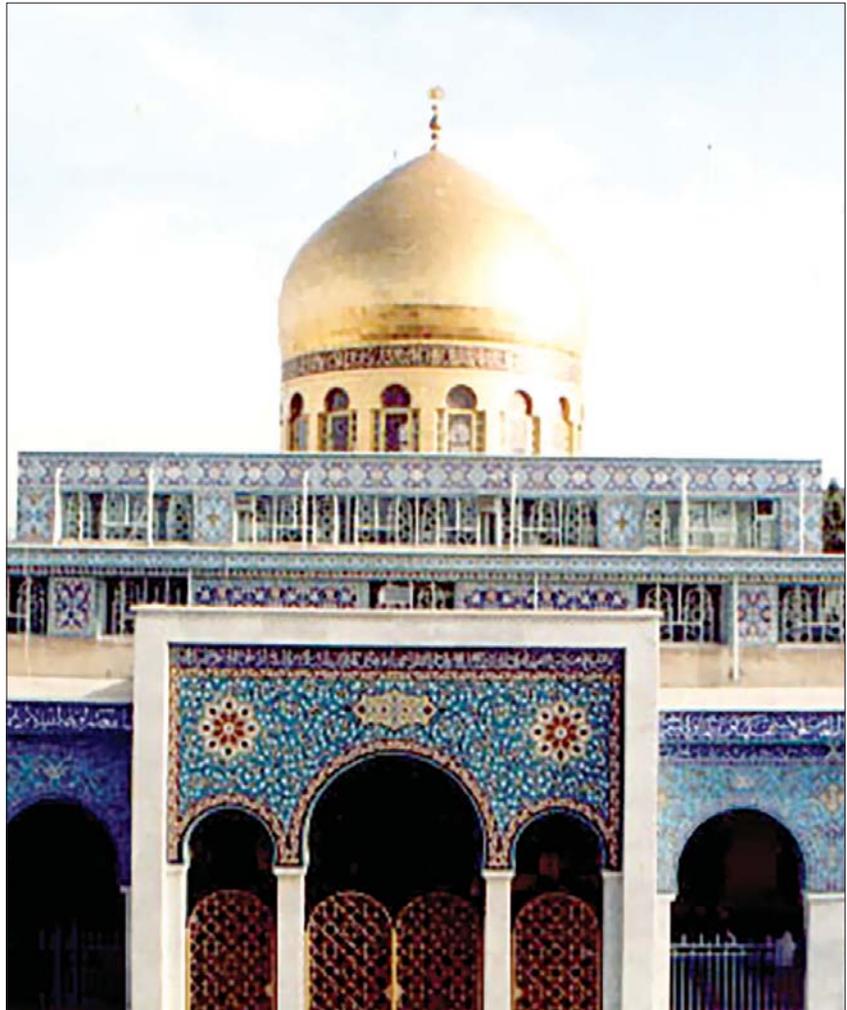
نظر مردم آن زمان در مورد کمک بانوان به پشتیبانی جبهه چه بود؟

بانوان آن زمان اصرار داشتند که می‌خواهیم در دفاع مقدس نقشی داشته باشیم و از آن جایی که درس در مکتب اسلام و عاشورا خوانده بودند با اقتدا به حضرت فاطمه زهرا (س) و حضرت زینب (س) و دیگر زنان آزاده این مکتب، همه مردم خود را سهیم در اجر این طریق الهی و رهسپاری در راه دشوار دفاع مقدس می‌کردند.

حرف پایانی.

از نسل جوان می‌خواهم که قدردان خون شهدا باشند چون شهدا بخاطر امنیت و حفظ چادر زهرا و ناموس شما رفتند و جان خودشان را فدا کردند.

جوانان این انقلاب را با جنگ و دندان نگه داشتند و به نسل جدید رساندن پس با عمل صحیح و کار برای انقلاب، قدردان خون شهدا و فداکاری‌های رزمندگان باشند.



شهادت ادامه دارد

شهیدای مدافع حرم علی‌اکبرهای زمان هستند

بسته، خلخال‌های به تاراج رفته و دامان آتش گرفته تیمیان ابا عبدالمحسن (ع) را ندیدند اما عشق به اهل بیت رسول... (ص) سال‌هاست که با گوشت و خونشان در آمیخته، اجدادشان پای منبر علمدار و آبروی دو عالم نشستند و با عباس (ع)، حسین (ع) و علی‌اکبر (ع) عهد کردند که تا آخرین نفس‌های خود پای ولایت این قبیله بمانند.

اینان حتی اگر عقلمه و قتلگاه را ندیده باشند اما باورشان «پا لیتنا کنا معکم» است که معنا گرفته و این فصلی لاینفک از حیات سربازان روح... و علمداران امام‌خانم‌های است. شهید سید علی اصغر شبانی، شهید سیدمهدی خراسانی و شهید امیر کاظم‌زاده از همان یاران جامانده قافله ۷۲ تن شهید دشت کربلا بودند که چندی پیش در دفاع از حرم حضرت زینب (س) به شهادت رسیدند و به قافله حسینیان پیوستند. روایتان امروز، اگرچه تلخ اما به رشادت شیران سرزمین‌مان بازمی‌گردد و به خود می‌بالیم. حکایت شهادتشان به ما می‌فهماند که شهادت را جز شهید نمی‌شناسد. آری! «وعده... الحق و حزب... هم الغالبون»

خاندان پیامبر (ص) کرد. اشقیای این‌بار حرم حضرت زینب (س) را نشانه گرفتند و به خونخواهی و کینه‌ای که از رسوایی خاندان یزیدیان داشتند، به آنجا حمله کردند که طی یورش، مدیر حرم حضرت زینب (س) به شهادت رسیده و چندین زائر مجروح شدند. اما فرزندان نهضت کربلا برای محافظت از حرم عمه‌شان، بی‌نام و نشان راهی شدند تا اجازه ندهند دست تجاوزشان به حرم حضرت زینب (س) نزدیک شود.

حرم کجاست؟! قطعه‌ای از گودال جامانده از کرب و بلا، اگرچه تاریخ در گذر زمان تکرار می‌شود اما این‌بار فرزندان نهضت کربلا نگذاشتند که حریمی دوباره غارت و دستان عمه‌شان زینب (س) به نشان اسارتش بسته شود. پای روضه علمدار کربلا گریستن این روزها تنها معنایش مقاومت است. بسیج مردمی شیعه متشکل از مردان مقاومتی از پاکستان، فلسطین، عراق، لبنان و ایران این روزها در گردان برادر عمه سادات (عباس (ع)) جمع شده‌اند. همه آمده‌اند تا بگویند: «کلنا عباسک یا زینب» اگر چه مدافعان حرم، قتلگاه، خیمه‌های سوخته، دستان

کربلا داستان عشق است؛ عشقی به قدمت قرن‌ها و هزارها که موج‌های خروشانش تا کربلای ایران امتداد یافت و در پرتو خورشید انقلاب، علی‌اکبرهایی پرورش یافتند که نگذاشتند علم علمدار زمین بماند.

این بار سرزمین شام میعادگاه کربلای‌ها بود؛ جوان‌هایی که عاشورا را در داستان‌ها خوانده بودند، اما با اقتدا به جوان بلند همت عاشورا، محکم و استوار ایستادند و نگذاشتند غیاری به حرم مطهر عمه سادات (س) بنشیند. ستارگان درخشانی که امروز نامشان بر سپهر جهاد و شهادت استان همدان می‌درخشد:

آن زمان که تروریست‌های سلفی و وهابی حاضر در سوریه دست در دست شیطان گذاشتند و به حرم عقیده بنی‌هاشم دختر یعسوب‌الدین، حضرت زینب کبری (س) حمله کردند، دل شیعیان علی بن ابیطالب (ع) که بماتد دل همه مسلمانان چنان به درد آمد که موجی از خشم و نفرت نسبت به ابی‌ادب استکبار در جهان اسلام پدید آمد.

گویی عاشورای ۶۱ هجری دوباره تجدید شد و دل‌ها را روانه کربلا و قتلگاه